

آنگاه به ایشان گفت: «این همان است که وقتی با شما بودم، می‌گفتم؛ اینکه تمام آنچه در تورات موسی و کتب انبیا و مزامیر درباره من نوشته شده است، باید به حقیقت پیوندد.»  
 45 سپس، ذهن ایشان را روشن ساخت تا بتوانند کتب مقدس را درک کنند 46. و به ایشان گفت: «نوشته شده است که مسیح رنج خواهد کشید و در روز سوم از مردگان بر خواهد خاست، 47 و به نام او توبه و آمرزش گناهان به همه قومها موعظه خواهد شد و شروع آن از اورشلیم خواهد بود. شما شاهدان این امور هستید 49. من موعود پدر خود را بر شما خواهم فرستاد؛ پس در شهر بمانید تا آنگاه که از اعلی با قدرت آراسته شوید. 50 سپس ایشان را بیرون از شهر تا نزدیکی بیت‌عنیا برد و دستهای خود را بلند کرده، برکتشان داد؛ 51 و در همان حال که برکتشان می‌داد از آنان جدا گشته، به آسمان برده شد 52. ایشان او را پرستش کردند و با شادی عظیم به اورشلیم بازگشتند 53. در آنجا پیوسته در معبد



می‌ماندند و خدا را حمد و سپاس می‌گفتند.

از زمان صعود عیسی به بهشت، بهشت تغییر شده بود و همینطور زمین نیز متفاوت شده بود؛ زیرا از زمان صعود عیسی، او که در بیت لحم به دنیا آمده و در جلیلتا بر روی صلیب درگذشت، در بهشت است. بنابراین، بخشی از ما در بهشت هستیم و بخشی از او در اینجا روی زمین است. شاگردان عیسی اولین کسانی بودند که به طور مستقیم تغییر آسمان و زمین را تجربه کردند. روز صعود عیسی به بهشت رخ داد؛ آنها هنوز وحشتناک‌ترین مرگ عیسی را در ذهن داشتند. ابتدا از مصلوب شدن و مرگ بی رحمانه پروردگارشان شوکه شدند. اما بعد با خوشحالی فهمیدند که عیسی بر خاسته است. آنها از افسردگی و اندوه به شادی بیرون کشیده شدند - از عمیق‌ترین جهنم و اندوه تا بهشت بالا. حالا آنها بر روی کوه ایستاده بودند و دوباره به زمین بازگشته بودند، زیرا عیسی گفت: "من شما را ترک می‌کنم. مسیح گفت: "من می‌روم." اما مسیح بدون رفتن، رفت، چون او به این دلیل رفت که همیشه، در همه جا، برای همه مردم حضور باشد. بدون اینکه او را ببینند، قرار است مردم با روشنگری روح القدس، بهشت را روی زمین دریافت کنند. عیسی می‌خواهد در دسترس باشد و در فاصله‌ای فریاد زده باشد. او می‌خواهد بهشت را روی زمین ایجاد کند!

جشن صعود عیسی بر روی زمین اتفاق می‌افتاد، با این حال یک امر مقدس و پیشرفت در آن وجود دارد که به بهشت نشان می‌دهد. چشمان ما رو به بالاست به سمت کسی که در دست راست خدا نشسته است. به کسی که تمام هستی را در دست دارد و در بدن و خونش با ما در این دنیا حضور دارد. عیسی دنیا را ترک کرد تا بتوانیم خانه‌ای در بهشت داشته باشیم. با این حال، تصور کردن این دنیای دیگری را که عیسی به ما وعده داده بود، دشوار است. ما که به شدت به زمینی چسبیده‌ایم، مانند ماهی هستیم که در ماهیخانه به دنیای خود وابسته شده است. همانطور که ماهی قمرز نمی‌تواند تصور کند که دنیایی خارج از گوی خود وجود دارد، ما انقدر به ماده و این جهان گره خورده‌ایم. از زندان گوی مادی خود، با تمسخر می‌پرسیم: بهشتی که مسیح به آن صعود کرده کجاست؟ ما می‌خواهیم از طریق تفکر انسانی در برابر کلام خدا انتقاد کنیم و به این نتیجه می‌رسیم که صعود عیسی مسیح از طریق خیالی شاگردانش ساخته شده است. چنین تفکری این واقعیت شگفت‌انگیز را که خدا قدرت دارد که جهان ما را از طریق کلامش ایجاد کند انکار می‌کند. ما با تفکر انسانی خود می‌گوییم: نباید چیزی باشد که نمی‌تواند باشد. با انجام این کار، ما خود را بالاتر از کلام خلاق خدا قرار می‌دهیم و به آن می‌گوییم که چه کاری می‌تواند انجام دهد و چه کاری نه. جای تعجب نیست که جشن صعود مسیح به روز پدر، جشن سبزه و مصرف الکلی تبدیل شده است. با این حال، بهشت مکانی خاصی نیست که چند طبقه بالاتر از ما نیست. ما از طریق جشن صعود عیسی به شهادت نمی‌رسیم که بهشت کجاست، بلکه به شهادت می‌رسیم که بهشت مال خداست. در واقع، نه تنها بهشت، بلکه تمام جهان در دستان اوست که بر روی صلیب جلیلتا درگذشت. او فرمود: "تمام قدرت در آسمان و زمین به من داده شده است!"

در حالی که شاگردان از این واقعه شگفت‌زده شدند، مسیح آنها را به واقعیت تلخ برگرداند. آنها باید پاهای خود را روی زمین نگه دارند و همچنان به عنوان شاهدانی که از روح القدس فراخوانند شد، عمل کنند. بایستی با پای‌های محکم روی زمین باشند و چشمشان را به آسمان مرتفع نکنند. بنابراین، صعود عیسی و پنتیکاست به آنها تشویق می‌کنند آن کار را انجام دهند. خداوند به شاگردان دستور داد که اورشلیم را ترک نکنند و منتظر وعده پدر باشند. حتی فرشتگان به آنها هشدار دادند که نه فقط به آسمان نگاه کنند، بلکه آنچه عیسی از آنها خواسته است را انجام دهند. شاگردان برای برقراری ارتباط جدید با مسیح آماده می‌شدند. آنها بایستی در روح القدس تعمید داده شوند. بر خلاف غسل تعمید یوحنا، تعمید مسیحی یک ارتباط صمیمانه با خدای مقدس ایجاد می‌کند و ما را مستقیماً به عیسی که در دست راست خدا نشسته است، متصل می‌کند. با این حال، این یک کمیت ایستا نیست، بلکه یک منبع قدرت‌کننده که حیات بخشد. روح القدس از ما می‌خواهد که در تمام پری عیسی اسراف کنیم. بنابراین صعود عیسی پایان یک داستان هیجان‌انگیز با عیسی نیست، بلکه آینده جدیدی را می‌گشاید. مسیح با قدرت خود می‌خواهد با کار خود در این جهان حضور داشته باشد. برای مدتی،

شاگردان همچنان در اورشلیم، مانند جمعیتی هراسان، منتظر آمدن روح القدس بودند. اگرچه آنها تلاش می کردند، خودشان نمی توانستند روح القدس را فراخوانند. اما درست همانطور که عیسی پیشگویی کرد، روح القدس ۱۰ روز بعد، در روز پنتیکاست، آمد. تنها در این صورت بود که معنی سخنان او را فهمیدند: "پس به تمام جهان بروید و همه مردم را تعلیم دهید و آنها را به نام پدر و پسر و روح القدس تعمید دهید". بدین ترتیب، افراد ضعیف، رستگاری ساخته شده اند. در پنتیکاست، این وعده محقق شد و روز تولد کلیسا نیز نامیده است. ساکن شدن روح القدس باعث ایجاد شور و شوق وحشیانه، خلسه، یا فریاد غیرقابل بیان نمی شود، بلکه به موعظه ای قابل درک منجر می شود که کارهای بزرگ خدا در عیسی مسیح را تمجید می کند. و همه اینها در جایی بهشت اتفاق نمی افتد، بلکه در این دنیای بدبخت که از طغیان گناه آلود علیه خدا دریده شده و به شدت زخمی شده است. این حوزه عمل روح القدس است و ما در میان آن می آیستیم. گاهی خودمان در گرداب زمان گرفتار می شویم و غم و اندوه و وسوسه آن را به جهات مختلف تجربه می کنیم. در این وضعیت، روح القدس ما را بارها و بارها به مکانی درست هدایت می کند: جالجتا، جایی که بهشت بر روی ما گشوده شده و دنیای جدیدی در حال گشودن است. در آنجا نیز شاهد زنده رستخیز او می شویم. «شما در اورشلیم و در تمامی یهودیه و سامره و تا اقصی نقاط جهان شاهدان من خواهید بود.» هر جا این سخنان اعلام شود، بهشت گشوده می شود و آینده و امیدی ناگسستنی گشوده می شود.

مأموریت عیسی در جلجتا شروع می شود. از آنجا شهادت دادن انجیل آغاز می شود. شما می توانید آن را مانند سنگریزه های کوچکی که در کودکی به یک حوض می انداختیم تصور کنید. در جایی که سنگریز برخورد می کند، امواجی تشکیل می شود که در دایره های متحدالمرکزی که بزرگتر و بزرگتر می شوند تا اینکه در کل حوض پخش می شوند. در مورد گسترش کلام خدا نیز همین گونه است. در جلجتا و در رستخیز عیسی آغاز می شود. سپس پیشروی می کند: از اورشلیم به یهودیه و سامره تا پایان جهان.

کلام خدا در ما به روشی مشابه تجلی یافته است. با غسل تعمید و ارتباط من با مرگ و رستخیز عیسی شروع می شود. به عنوان شاهد مسیح، من فراخوانده شده ام تا در این نقطه بایستم. جایی که من زندگی می کنم، جایی که خدا مرا به عنوان پدر، مادر، پسر یا دختر در خانواده یا نزدیکانم قرار داد، نقطه شروع شهادت من به مسیح اینجاست. این جنبش شهادت کردن در حال گسترش است - در مدرسه، محل کار، جایی که من زندگی می کنم، در کشور ما، در فرهنگ ما و حتی در سایر حوزه های زبانی و فرهنگی.

«شما در اورشلیم و در تمامی یهودیه و سامره و تا پایان جهان شاهدان من خواهید بود.» شرمنده است که باید از خود بپرسیم: آیا واقعاً چنین است؟ تأثیر شهادت کردن انجیل برای ما کجاست؟ آیا ما واقعاً مسیح مصلوب و برخاسته را از طریق گفتار، کردار، عشق و صبر در قلب فرزندان خود نقش بسته ایم یا آنها به روش های کاملاً متفاوتی رفته اند؟ آیا ما همکاران، همکلاسی ها و همشهریان خود، به ویژه آنهایی که در آلمان متولد نشده اند، تشویق کرده ایم که انجیل را از طریق شهادت خود مطالعه کنند؟ آیا ممکن است خسته شده باشیم؟ ما خودمان چه کرده ایم تا نجات را از طریق عیسی مسیح گسترش دهیم؟ آیا ما از طریق فداکاری و دعا کمک کرده ایم یا کاری دیگری غفلت کرده ایم؟ این واقعیت که میلیاردها نفر هرگز نام عیسی مسیح را نشنیده اند، نشانه ای است، که ما مأموریت خود را به عنوان مسیحی جدی بگیریم و انجیل را با شجاعت و انرژی اعلام کنیم. با تمام این پرسش ها متوجه می شویم که ناگهان با هر دو پا روی دنیای خود و واقعیت ها ما مواجه می شویم. هیچ راهی وجود ندارد که بتوانیم خود را از این آشفتگی بیرون بکشیم، شخص دیگری باید این کار را انجام دهد. عیسی به ما کمک می کند. و او نمی گوید: «شما باید شهادت دهید» بلکه فرمود "شما شاهدان من خواهید بود". بنابراین، شهادت دادن انجیل به تعریف کلیسا تعلق دارد. - این یک وعده و در عین حال یک درخواست است. اگر نمک تندی خود را از دست داده بود دیگر فایده ای نداشت. اگر نور را زیر پوشل بگذارند، تاریک می ماند. نور و درخشندگی به صراحت به خود عیسی مرتبط است. اوست که مردم را به شهادت دادن می فرستد و به مردم ایمان می آورد. بنابراین شهادت دادن عیسی واقعاً بین آسمان و زمین قرار دارد، مانند روز صعود عیسی. همچنین تحت علامت تغییر است. خدمت شاهد اتفاق می افتد تا زمانی که عیسی می آید. شهادت دادن انجیل بین صعود عیسی و بازگشت او در این زمین اتفاق می افتد. هدف تنها زمانی محقق خواهد شد که عیسی دوباره بیاید. تا آن زمان با تمام ضعف ها و ابهامات اینجا هستیم. و ما به نام و از جانب کسی که ما را مأمور کرده است صحبت می کنیم. با این حال بعضی اوقات ناامید می شویم. گاهی اوقات ما دیگر تکلیف ما را درک نمی کنیم. سپس اینجا در زاکسن، در سرتاسر آلمان یا هر کجا که ممکن باشد، با هر دو پا روی زمین می ایستیم و می بینیم که چه چیزی در انتظارمان است. این نه ترسناک است و نه ناامید کننده. عیسی به سوی ما می آید که ما را دوست دارد و می خواهد ما را کامل کند. روح و عروس می گویند بیا! و هر کس آن را می شنود بگوید "بیا!" و هر که تشنه است بیاید. و هر که بخواهد آب حیات را مجانی بگیرد. کسی که شاهد آن است می گوید: «بله، به زودی می آیم». آمین بله، بیا، خداوند عیسی!